



ندارد. البته در ادامه، وقتی مسائل خیلی سیاسی شد و خاوری برای مأموریت به انگلستان رفت و برنگشت، جهرمی مصاحبه‌ای کرد و گفت: «برنگشتن خاوری خودش شاهد این است که وی متخلف بوده است.» امروز نه آقای جهرمی مدیرعامل بانک صادرات است و نه من وزیر اقتصاد. اگر از من بپرسید، می‌گویم: «شویه و رفتار جهرمی در این ماجرا به گونه‌ای بود که خودش نیز از این بابت آسیب دید. کمالینکه برنگشتن خاوری هم خطای بزرگی بود و ابهامات را دوچندان کرد و به همه لطمه زد.»

#### جهرمی بحث ورود و دخالت مشایبی را در ماجرای سوءاستفاده بانکی مطرح نمی‌کرد؟

نه، من درباره این موضوع چیزی به یاد ندارم.

#### جهرمی آن زمان مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس کرده و مدعی شده بود: ردپای جریانی در دولت در این ماجرا وجود دارد...

عده‌ای در آن مقطع دنبال این فرضیه بودند که این تخلفی که اتفاق افتاده است، برای تأمین مالی انتخابات مجلس ریاست جمهوری آینده است و پشت این جریان، جریانی وجود دارد که نامش را «جریان انحرافی» می‌گذاشتند. یعنی فرضیه این بود که منابع حاصل از این تخلف مالی می‌خواهد صرف انتخابات مجلس نهم و ریاست جمهوری یازدهم شود.

یادم هست در جلسه کمیسیون اصل ۹۰، یکی از نمایندگان مجلس به من گفت: «آقای حسینی تا نگویی پشت سر این ماجرا چه کسی هست، نجات پیدا نمی‌کئی.» شما فکرش را بکنید ماجرا از کجا به کجا رسید!! حتی در این ماجرا یکی از بستگان آقای مشایبی، به نام ریاحی دستگیر و تصویر و صحبت‌هایش در تلویزیون پخش شد، خب سؤال این است که قضیه ریاحی چه شد و به کجا رسید؟

#### یعنی چیزی که به مشایبی و نزدیکان او مرتبط باشد، اثبات نشد؟

من قاضی پرونده و بازپرس پرونده نیستم، ولی شما به‌عنوان یک روزنامه‌نگار، براساس اطلاعاتی که در رسانه‌ها موجود است چیزی در این باره می‌دانید؟ یک روز در حاشیه هیأت امنای صندوق توسعه ملی، آقای پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی در نهاد ریاست جمهوری به من گفت: «من جاهای دیگر هم گفته‌ام، این پرونده به مشایبی ربطی ندارد.» «به آن روز از مشایبی یا آقای احمدی‌نژاد تعریفی بکنند ولی آن روز گفت: «ربطی ندارد.» اما آن مباحث در جلسه غیرعلنی مجلس طوری طراحی شد که این تخلف به نهاد ریاست جمهوری نسبت داده شود و بعد هم ماجرای بازداشت سیدحمید پورمحمدی قائم مقام وقت بانک مرکزی.... البته در آن بررهه مطلع شدم که کمیسیون اصل ۹۰ گزارشی نوشت و از دادستان خواست، پورمحمدی قائم‌مقام وقت بانک مرکزی دستگیر شود.

#### آن روزها، برخی از رسانه‌ها سندی منتشر کردند که مشایبی در هفتم مهرماه ۸۹ به شما و آقای بهبهانی وزیروقت راه‌نامه‌ای نوشته و خواستار مساعدت دو وزیر یادشده درباره اعلام‌آبادگی شرکت خدمات مهندسی اپنیه

#### واکنش احمدی‌نژاد به ماجرای تخلف سنگین بانکی

احمدی‌نژاد اولین بار در سفر استانی دولت به همدان صراحتاً گفتند: «هرکسی که در این ماجرا متخلف است قوه قضائیه ورود و رسیدگی کند.» بعد از آن سفر، هیأت دولت، فکرمی‌کنم سفری به استان اردبیل داشت. در سفر اردبیل وقتی داشتم برای شرکت در جلسه دولت آماده می‌شدم شهریار معاون پارلمانی وزارت اقتصاد با من تماس گرفت و گفت: «لارنجانی رئیس مجلس می‌خواهد شما را ببیند و با هم صحبت کنید. گویا می‌خواهند جلسه‌ای غیرعلنی برای رسیدگی به این موضوع در مجلس برگزار کنند.» من گفتم: «الآن که در سفرم؛ ولی به لارنجانی بگویید بهتر است فعلاً صبر کند تا فضا مقداری روشن‌تر شود.»

#### راه‌آهن در مورد خرید ۵۰٫۵ درصد شرکت فولاد خوزستان شده است. این سند بازناب زیادی در رسانه‌ها داشت. یادتان هست؟

آنچه منتشر شد این بود که مشایبی به‌عنوان رئیس دفتر رئیس‌جمهور، پی‌نوشت رئیس‌جمهور را به آنها متعکس کرد. این شرکت که از پیمانکاران وزارت راه بود، مدعی شد: اگر دولت ۵۰٫۵ درصد سهام فولاد خوزستان را به آنها بدهد، حاضرند به ازای آن اتوبان دوطبقه شمال را که در خط ساحلی است، بسازند. گویا رئیس‌جمهور نیز روی آن نامه که فکر می‌کنم پیوست نامه وزیرراه بود برای رسیدگی و اقدام، آن را به من و وزیرراه ارجاع داده بود چون دستورات رئیس‌جمهور را رئیس‌دفتری ابلاغ می‌کند، این نامه را هم من دریافت کردم، وگرنه مشایبی نامه‌ای مستقل از پی‌نوشت دکتر احمدی‌نژاد به ما نزنده بود و این روال دفاتر رؤسای جمهوری است که ارجاع‌های رئیس‌جمهور را به مخاطبان دستور رئیس‌جمهور ارسال می‌کند.

ضمن اینکه این موضوع هیچ وقت هم اجرا نشد. من هم روی آن نامه خطاب به رئیس سازمان خصوصی‌سازی نوشتم: «طبق قانون بودجه رسیدگی و اقدام شود. ضمن اینکه سهام شرکت فولاد باید به صورت رقابتی واگذار شود.» این نامه روال عادی کار بود. در گذشته و حال حاضر پیمانکاران برای اجرای طرح‌های عمرانی و تعهدات‌شان می‌توانستند سهام بگیرند. این شرکت هم از طریق نامه رسمی وزارت راه، از رئیس‌جمهور درخواست این سهام را می‌کند و رئیس‌جمهور هم ارجاع می‌دهد اما دستگاه‌های اجرایی باید مطابق قوانین و ضوابط از جمله قانون بودجه اجرا کنند که من نیز همین را پی‌نوشت کردم.

حالا اگر یک نامه از دفتر رئیس‌جمهور آمده بود، بررسی کنید چه تعداد نامه از طرف نمایندگان مجلس و... در مورد همین گروه و این آقا وجود دارد. من نمی‌خواهم کسی را متهم کنم. این فرد را به‌عنوان یک سرمایه‌گذار معرفی می‌کردند، تیم فوتبال داماساش، آب معدنی داماش، سلیکون بروجرد، فولاد اهواز و... حوزه‌های سرمایه‌گذاری وی بود و از گیلان تا لرستان و از فوتبال تا صنعت، فعالیت اقتصادی داشت، به خیلی‌ها مراجعه کرده و از طریق نمایندگان برای وزرای مختلف نامه می‌آورد که شرکت وی آمادگی دارد این پروژه‌ها را اجرا کند. خاطرم هست بعد از اینکه سوءاستفاده وی اتفاق افتاد، یکی از مدیران عامل بانک‌ها پیش من آمد و به من گفت: «آقای دکتر! شما سرت شلوغ است روحیه‌ات را هم می‌شناسم.

دنبال کاغذ و مدرک جمع کردن نیستی، ولی این پوشه را بد نیست ببینی.» گفتم «این توصیه‌هایی است که نمایندگان مختلف مجلس در خصوص این آقا و فعالیت‌هایش به شما یا وزرای دیگر و حتی به‌طور مستقیم به مدیرعامل بانک داشته‌اند و شما یا وزرا این نامه‌ها را برای رسیدگی به ما ارجاع کردید.» به من گفت: «یک کپی از این نامه‌ها داشته باشی بد نیست.» «یادم هست روز قبل استیضاح نماینده‌ای به من زنگ زده بود و می‌گفت: «آقای حسینی، شما استعفا بده، ما شما را دوست داریم. استعفا، از استیضاح بهتر است.» همین‌طور که داشتم با این نماینده صحبت می‌کردم، خدا شاهد است برگه‌های این پوشه را داشتم ورق می‌زدم که دیدم ای داد!

همین آقای نماینده یکی از کسانی است که در خصوص این گروه به ما توصیه‌نامه نوشته است. من هرگز نامی



این موضوع در خود دولت مطرح شد و در مقطعی کمیته سه نفره‌ای با حضور وزیر اطلاعات، وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی تشکیل شد. ما در این کمیته تلاش می‌کردیم هم به این موضوع رسیدگی کنیم، یعنی به‌طور مثال حقوق همه بانک‌ها ایفا شود و هم کمک کنیم تا این مسئله به سرانجام برسد. من در جلسه استیضاح‌م نیز گفتم: این موضوع اینقدر گستردگی پیدا کرد که به یک مسئله امنیتی تبدیل شد تا جایی که موضوع به دبیرخانه شورای امنیت ملی ارجاع شد و جلساتی بین سه قوه و با حضور نمایندگان از مجلس، بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و قوه قضائیه تشکیل می‌شد

از این افراد نمی‌برم اما در این پرونده نام خیلی از افراد مانند احمدی‌نژاد، مشایبی، پورمحمدی، بهمنی، جهرمی، من و... برده شد، اما هیچ وقت نام این نمایندگان برده نشد و هیچ وقت نام آنها بر ملا نیز نشد! من نمی‌گویم چرا نام این افراد افشا نشد. حتی اگر هم اعلام نام این افراد به رسیدگی‌های بیشتر موکول شد پس چرا این همه جو و سر و صدا برای دیگران ایجاد کردند. حتی در گزارش کمیسیون اصل ۹۰ نیز نامی از این نمایندگان برده نشد. من نمی‌گویم این تعداد از نمایندگان مجلس جرعی مرتکب شده‌اند بلکه می‌گویم چطور عده‌ای برای ارجاع یک نامه، دفتر رئیس‌جمهور و شخص رئیس‌جمهور را متهم کرده و با فرضیه‌سازی به دنبال اثبات حدسیات خود بودند، اما وقتی به خودشان می‌رسد، ماجرا متفاوت است. نامه‌های خودشان را دال بر حسن نیت، اما نامه‌های وزرا، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور و شخص رئیس‌جمهور را توصیه‌نامه و تخلف می‌دانند.

#### شما منکر رابطه مشایبی و حمید پورمحمدی قائم‌مقام وقت بانک مرکزی با این جریان هستید؟

من از شما می‌پرسم آیا حکمی در خصوص اینها از سوی قوه قضائیه دیده‌اید؟ من معتقدم اگر مسئولی تخلف کرده باشد باید از صحنه مدیریت حذف و محاکمه شود، ولی چرا کسانی که بر پایه فرضیات خود ساخته تهمت می‌زنند و با حرف‌هایشان اعتماد جامعه را مخدوش می‌کنند باید همچنان دست به جیب، آزادانه در خیابان راه بروند. کسانی که می‌گفتند: پورمحمدی عامل مشایبی در بانک مرکزی است و این مشکلات را برای سیستم بانکی ایجاد کرده است، آیا ادعای خود را ثابت کردند و اگر این ادعا ثابت شد چه برخوردی با این افراد صورت گرفت؟ ضمن اینکه من تاریخ و آنچه را اتفاق افتاده است، روایت می‌کنم وگرنه ممکن است پورمحمدی دوست مشایبی هم باشد، ارتباط نزدیک و خانوادگی هم با یکدیگر داشته باشند، اما حرف من چیزی دیگری است.

#### شما امیرمنصور آریا را از قبل می‌شناختید؟ یعنی مثلاً می‌دانستید فردی با این مشخصات ظرف چند سال به تشکیلات و ثروت انبوهی رسیده است؟

من در طول عمرم، چه قبل و چه بعد از این جریان‌ات، مه‌آفرید خسروی را نه تنها ندیده‌ام، بلکه هرگز حتی با وی تلفنی نیز صحبت نکرده‌ام. نه من به او پیغامی داده‌ام و نه او به من پیغامی داده است. اما اجازه بدهید خاطره جالبی را در این زمینه برایتان بازگو کنم. یک‌سال قبل از این ماجراها، در دفتر کارم مشغول بودم که به من اطلاع دادند رئیس یکی از کمیسیون‌های مجلس چند بار با شما تماس گرفته و کار واجبی دارد. نزدیکی‌های ظهر، بعد از فراغت نسیی از کار، به مسئول دفترم گفتم: شماره‌اش را بگیرید تا با او صحبت کنم، بعد از سلام و احوالپرسی به من گفت: آقای حسینی، باید ببینم‌تان، کار خیلی واجبی با شما دارم، گفتم: امروز باید در جلسه هیأت دولت شرکت کنم، به مسئول دفترم می‌گویم برای یک روز دیگر، ملاقاتی را هماهنگ کند. ایشان اصرار کرد که نه، همین امروز! بیشتر از چند دقیقه هم طول نمی‌کشد. نهایتاً قبول کردم و دقایقی بعد، وی به همراه یک جوان لاغراندام به دفتر من آمد. خیلی زود بحث را آغاز کرد و گفت: «آقای حسینی، این آقا، یکی از اعضای خانواده

### پیشنهاد استعفا به وزیر اقتصاد و رئیس

#### بانک مرکزی

توکلی در آن جلسه می‌گفت: در کشورهای دیگر وقتی چنین اتفاقاتی می‌افتد مقامات مسئول خودکشی می‌کنند. بعد من و بهمنی را خطاب قرار داده و ادامه داد: «خودکشی پیشکش‌تان، استعفا دهید.» حالا بماند که پیش‌نویسی برای کمیسیون اصل ۹۰ تدارک دیده بودند و قبل از رسیدگی کمیسیون اصل ۹۰، در جلسه‌ای به این جمع‌بندی رسیده بودند که انتهای گزارش اصل ۹۰ بنویسند: «وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی باید استعفا دهند.»

خسروی‌ها هستند که گروه ملی فولاد را خریده و آنجا را سروسامان داده است. در یکی از پروژه‌هایشان در مورد صفحات خورشیدی برای تولید برق، به خاطر تحریم‌ها در واردات کالا از خارج از کشور با مشکلاتی مواجه شده‌اند. اگر ممکن است در این مورد برای تسهیل شرایط، توصیه‌ای به مدیرعامل بانک سپه کنید.» من همان موقع جلوی این دو نفر با آقای قنبری مدیرعامل بانک سپه تماس گرفتم تا این موضوع را پیگیری کند.

تمام ارتباط من با این خانواده، همین یک مسأله، یک جلسه و یک دیدار بود. گویا این نماینده مجلس هم از این منظر که قرار بود سرمایه‌گذاری این پروژه در شهر و حوزه انتخابیه این نماینده صورت بگیرد، پیگیر این ماجرا بوده است. بعدها که آن تخلف مالی، علنی و رسانه‌ای شد، دائماً به این فکرمی‌کردم که آیا آن جوان لاغراندامی که آن روز پیش من آمد همان مه‌آفرید امیرخسروی است یا نه؟ چون من در آن جلسه، حتی نام وی را نیز نپرسیدم. به هر حال من در هفته، شاید با بیش از ۱۰۰۱۵ نفر از افرادی که همراه نمایندگان مجلس به عنوان سرمایه‌گذار، به وزارت اقتصاد می‌آمدند ملاقات داشتم. در طی این مدت و با رسانه‌ای شدن این ماجرا همیشه به دنبال رؤیت چهره مه‌آفرید امیرخسروی بودم اما هر وقت جلسه محاکمه وی از تلویزیون پخش می‌شد چهره‌اش مات و شطرنجی بود و به درستی دیده نمی‌شد، البته مشخص بود چهره‌ای که در تلویزیون پخش می‌شود لاغر نبوده و دارای صورت پُرتَر و فربه‌تری نسبت به آن جوان است. تا اینکه نهایتاً وقتی آگهی ترحیم وی در روزنامه چاپ شد یقین پیدا کردم جوانی که آن روز همراه آن نماینده مجلس به وزارت اقتصاد آمده بود مه‌آفرید امیرخسروی نبوده و ظاهراً یکی از برادران او بوده است.

#### یکی از انتقاداتی که آن زمان به شما می‌شد این بود که طی گزارش کمیسیون اصل ۹۰، شما خواسته شده بود قائم‌مقام بانک مرکزی و معاون بانکی وزارتخانه را برکنار کنید. طبق این گزارش یکی از عوامل شکل‌گیری فساد بانکی، بی‌توجهی وزارت اقتصاد به برخی انتصابات، تنظیم سیاست‌های مالی کشور و بی‌توجهی به صلاحیت اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها بود. در نهایت نیز از شما خواسته شده بود تا معاون بانکی خودتان را برکنار کنید.

البته به نظرم اینها در مقدمه و ذکر دلایل در درخواست استیضاح بود. جالب است بدانید سرکردگان استیضاح که در تدوین گزارش نقش اصلی داشتند از قبل طراحی داشتند. به‌طور مثال قرار بود در انتهای گزارش کمیسیون اصل ۹۰ به‌عنوان نتیجه نوشته شود: «وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی باید از سمت‌های خود استعفا دهند» اگرچه این نتیجه رأی نیابرد و تأیید نشد اما در سباق گزارش وجود داشت. برخی نمایندگان عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به من می‌گفتند: «اگر احمدی‌نژاد، بهمنی را برکنار کند ما از استیضاح تو صرف نظر می‌کنیم.» من هم در پاسخ می‌گفتم: «این چه منطقی است، شما می‌خواهید با استیضاح من به رئیس‌جمهور فشار بیاورید تا رئیس کل بانک مرکزی را تغییر دهد؟ مطمئن باشید من هیچ وقت به رئیس‌جمهور نخواهم گفت به خاطر بقای من، بهمنی را برکنار کند. گرچه احمدی‌نژاد هم به چنین حرفی گوش نخواهد داد.»